

«عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالابد همان است.» (عبرانیان ۸:۱۳)

در نام عزیز و قدوس خداوند عیسی مسیح خدمت تمامی برادران و خواهران سراسر جهان درود می‌فرستم. این بخش از اول قرن‌تین ۴:۱-۲ را به عنوان تهنیت انتخاب کرده‌ام: «هرکس ما را چون خدام مسیح و وکلای اسرار خدا بشمارد و دیگر در وکلا بازپرس می‌شود که هر یکی امین باشد.» پولس و دیگر خادمان راستین مسیح همواره خود را چنین معرفی کردند.

برخوردار بودن از حکم خداوند برای انجام خدمت الهی مایه‌ی امتیاز است. (اول تیموتائوس ۱:۱۲) امکان ارائه‌ی رازهای الهی مایه‌ی افتخار است. سخن از همان رازی است که در روزگار پیشین در خدمت رسولان و در عصر حاضر در رسالت برادر برانهام اعلام شد. روح‌القدس این رازها را بر ما مکشوف ساخته است! اعلام پیغام واپسین در سراسر جهان و فراخوانی مردم به خروج و ارائه‌ی شهادت به عده‌ای دیگر باعث افتخار است!

مهم‌ترین پیغام پیش از بازگشت مسیح در این جمله خلاصه می‌شود: «اینک داماد می‌آید به پیشواز او بشتابید.» (متی ۱:۲۵-۱۳) امور مربوط به پایان زمان بر یوحنا‌ی رسول مکشوف شد و او در این راستا نوشت و مرا گفت بنویس خوشبحال آنانی که به بزم نکاح بره دعوت شده‌اند. و نیز مرا گفت که این است کلام راست خدا.» (مکاشفه ۱۹:۷-۹) آمین.

این مثال وضعیت زمان ما را توصیف می‌کند: «در آن زمان ملکوت آسمان مثل ده باکره خواهد بود که مشعل‌های خود را برداشته، به پیشواز داماد بیرون رفتند.» (متی ۱:۲۵)

در این مثال به گفته‌ی خود خداوند تنها پنج تن از ده باکره یا به سخنی دیگر تنها نیمی از مخاطبان در زمان شنیدن واپسین فراخوانی داماد، آماده بودند تا وارد تالار عروسی شوند.

در زمان آمدن داماد برای برداشتن خاصان خود، شاهد تحقق این گفته خواهیم شد: «آنگاه دو نفری که در مزرعه‌ای می‌باشند، یکی گرفته و دیگری واگذارده شود. و دو زن که دستاس

می‌کنند، یکی گرفته و دیگری رها شود.» (متی ۲۴:۴۰-۴۱). بله، یکی ربوده می‌شود و دیگری می‌ماند.

شایان دقت است که از میان ده باکره که به پیشواز داماد می‌روند پنج تن در حالت آمادگی به سر می‌برند و وارد می‌شوند در حالی که پنج تن دیگر با در بسته روبرو می‌شوند. خداوند در همین راستا اکیداً می‌گوید: «پس بیدار باشید زیرا که نمی‌دانید در کدام ساعت خداوند شما می‌آید.» (متی ۲۴:۴۲) او در جای دیگری چنین هشدار می‌دهد: «بنابراین شما هم در حالت آمادگی به سر ببرید زیرا در ساعتی که هیچ تصورش را نمی‌کنید پسرانسان خواهد آمد.» (متی ۲۴:۴۴)

ما از شمار مردم آگاه نیستیم ولی به گفته‌ی خود خداوند تنها نیمی از فراخوانده‌شدگان تا انتهای راه وفادار و امین باقی می‌مانند و به همین ترتیب وارد بزم نکاح خواهند شد. ولی برحسب وعده‌ی خدا به ابراهیم (پیدایش ۱۵:۵-۶؛ پیدایش ۲۲:۱۵-۱۸) فدیة‌شدگان از نسل آدم همانند ستارگان آسمان جمعیت بی‌شماری را تشکیل خواهند داد. (رومیان ۴:۱۸)

در متی ۲۴، رخدادها مقدم بر بازگشت مسیح، بر شمرده شده‌اند. از وقوع فجایع طبیعی، جنگ‌ها، زمین‌لرزه‌ها، قحطی‌ها اخبار شده و همین‌طور از ظهور مسیح‌های دروغین و انبیای کذب. ولی درباره‌ی انجیل آمده است که «این مژده‌ی ملکوتی در سراسر دنیا اعلام خواهد شد تا بر تمامی ملت‌ها شهادتی باشد. آنگاه پایان فرا خواهد رسید.» (متی ۲۴:۱۴)

طبق مثال انجیر، نشانه‌ی بارز زمان ما همان بازگشت بنی‌اسرائیل است. (متی ۲۴:۳۲) در حزقیال ۱۷:۱۱، خدا چنین وعده داده است: «پس بگو خداوند بیهوش چنین می‌فرماید: شما را از میان امت‌ها جمع خواهیم کرد و شما را از کشورهای بی‌گانه‌ی که در آنها پراکنده شده‌اید، فراهم خواهیم آورد و سرزمین اسرائیل را به شما خواهیم داد.»

خداوند در همین راستا در متی ۲۴:۳۳ چنین می‌گوید: «به همین ترتیب، شما نیز هرگاه این چیزها را ببینید، دریابید که [بازگشت مسیح] نزدیک بلکه بر دراست.»

وضعیت دنیا تداعی‌کننده‌ی وضعیت حاکم در روزگار سدوم و عموره و روزگار نوح خواهد بود. (متی ۲۴ و مرقس ۱۳) چنان‌که در کلام آمده است مردم در مورد وضعیت اقلیمی زمین، گرم

شدن کره‌ی خاکی و بحران‌های شرایط جوی نگران هستند. «در روی زمین ملت‌ها از غرّش دریا و خروش امواج آن پریشان و نگران خواهند شد.» (لوقا ۲۱:۲۵، بخش دوم آیه)

با این وجود در عالم روحانی شاهد تحقق متی ۲۴:۴۵-۴۷ هستیم. خوراک روحانی در زمان مناسب و سراسر هماهنگ با آموزه‌های کتاب مقدسی ارائه می‌شود. «... در حقایق ایمان و تعالیم نیکویی که دنبال کرده‌ای، پرورش خواهی یافت.» (اول تیموتائوس ۴:۶) هر فرستاده‌ی راستین خداوند از روز و ساعت دعوت خود آگاه است و جزء به جزء مأموریت خود را به انجام می‌رساند. خادم شریر (آیات ۴۸-۵۱) خود را تحمیل می‌کند، او نه رسالت دارد و نه می‌تواند دعوت خود را عنوان کند. خادم راستین هیچ‌گاه دروغین نمی‌شود و خادم امین هرگز شریر نمی‌شود. نه موسی، بلعام شد و نه هابیل، قائن.

پس از ارائه رخدادهای مقدم بر بازگشت مسیح، در متی ۱:۲۵-۱۳ کلام مثال ده باکره را برای ما می‌آورد. آن نگاشته در زمان کنونی پیش از بازگشت مسیح محقق می‌شود. گفتنی که نخست ده باکره با چراغ‌های فروزان و مقداری روغن در ظروف خود، به تصویر کشیده شده‌اند ولی با گذر زمان چراغ‌های باکره‌های نادان به خاطر کمبود روغن-که نماد پری روح‌القدس است- خاموش می‌شود و به همین خاطر به آنها گفته می‌شود: «نزد روغن فروشان که در جلسات خود از روح‌القدس هم صحبت می‌کنند، بروید.» جالب است که باکره‌های دانا نگران نمی‌شوند و همانند عروسی پاک وارد تالار عروسی می‌شوند، آن زمان در بسته خواهد شد. این کلام محقق می‌شود «این امید هیچ وقت ما را مأیوس نمی‌سازد، زیرا محبت خدا به وسیله‌ی روح‌القدس که به ما عطا شد، قلب‌های ما را فراگرفته است.» (رومیان ۵:۵)

باکره‌های نادان که به نوبه‌ی خود چشم به راه بازگشت مسیح و ربوده شدن [عروس] هستند در حالتی پریشان چنین فریاد خواهند کرد: «خداوند، خداوند، برای ما باز کن» «ولی چنین به آنها پاسخ داد: آمین به شما می‌گویم شما را نمی‌شناسم.» (متی ۱۲:۲۵)

از دید خدا در آسمان و بر زمین هیچ آمیختگی صورت‌پذیر نیست. هر بذر از جنس خود ثمر می‌دهد. تنها شخص پاک‌دل می‌تواند به مشاهده‌ی خدا نائل شود؛ تنها کسانی که از روح وعده پر می‌شوند (اعمال ۲:۳۸) و از روح‌القدس مُهر می‌شوند (افسسیان ۱:۱۳) وارد جلال می‌شوند.

چنان که آمده است: «و چیزی ناپاک یا کسی که مرتکب عمل زشت یا دروغ شود، هرگز داخل آن نخواهد شد، مگر آنانی که در دفتر حیات بره مکتوبند.» (مکاشفه ۲۱:۲۷)

در روزگار کنونی درست مانند زمان رسولان دو پیغام شنیده می‌شود، اول کلام خدا و بعد تفسیرهای سلیقه‌ای «... و از میان خود شما مردمانی خواهند برخاست که سخنان کج خواهند گفت تا شاگردان را در عقب خود بکشند.» (اعمال ۲۰:۳۰) باکره‌های نادان به تفسیرها ایمان می‌آورند در حالی که باکره‌های دانا به کلام اصیل گوش جان سپرده و نسبت به آن وفادار خواهند ماند. باکره‌های دانا در کلام پایداری خواهند کرد.

پیداست کسانی که آموزه‌های نادرست را مطرح می‌کنند ربوده نخواهند شد چنان که آمده است: «...کسی که در میان شما آشفتگی ایجاد می‌کند هرکس باشد به سزای کار خود خواهد رسید.» (غلاطیان ۵:۱۰) به همین ترتیب کسانی که به واسطه‌ی پذیرش چنین تفاسیری به بیراهه می‌روند در شمار ربوده‌شدگان نخواهند بود، «زیرا آنها با ترک راه راستین به بیراهه رفته‌اند...» (دوم پطرس ۲:۱۵)

در نخستین سطرهای مکاشفه با چنین عباراتی مواجه می‌شویم: «خوشابحال کسی که می‌خواند و آنانی که می‌شنوند کلام این نبوت را و آنچه در این مکتوب است نگاه می‌دارند چونکه وقت نزدیک است.» (مکاشفه ۱:۳) بنابراین هر آنچه نگاشته نشده در حد تفاسیر سلیقه‌ای است. ما هم در جایگاه عروس کلام نمی‌توانیم به چنین تفسیرهایی ایمان داشته و آنها را به جا آوریم. در واپسین باب مکاشفه در کنار همان هشدار خوشابحالی هم به چشم می‌خورد: «و اینک به زودی می‌آیم. خوشابحال کسی که کلام نبوت این کتاب را نگاه دارد.» (مکاشفه ۲۲:۷)

عروس تنها به بیان مکاشفه‌ی روح از کلام بسنده خواهد کرد: «و روح و عروس می‌گویند، بیا! و هرکه می‌شنود بگوید، بیا! و هرکه تشنه باشد، بیاید و هرکه خواهش دارد، از آب حیات بی‌قیمت بگیرد.» (آیه‌ی ۱۷)

پس از آن واپسین هشدار درج می‌شود: «زیرا هرکس را که کلام نبوت این کتاب را بشنود، شهادت می‌دهم که اگر کسی بر آنها بیفزاید، خدا بلایای مکتوب در این کتاب را بر وی خواهد افزود.» (آیه‌ی ۱۸)

تمامی مکاشفه‌های به اصطلاح خاص که در کتاب مقدس هیچ گواهی بر درستی آنها وجود ندارد، در واقع مکاشفه‌های دروغین هستند که به شهادت کامل خدا افزون شده‌اند. هر اعتراف جدا از کلام متکوب، کتاب مقدسی نیست و به سخنی هر آنچه در عهد الهی نیامده است منشاء الهی ندارد. پولس در همین راستا در غلاطیان ۱:۸ چنین هشدار داده است: «بلکه هرگاه ما هم یا فرشته‌ای از آسمان، انجیلی غیر از آنکه ما به آن بشارت دادیم به شما رساند، اناتیم باد.»

هر کس به کلام خدا مطلبی بیافزاید به اصطلاح افسون شده است. در واقع چنین شخصی مبلغ عیسی دیگر و انجیلی دیگر است. او فریب خورده است. (دوم قرن‌تیاں ۳:۱۱) کسانی که آموزه‌های دروغین را مطرح می‌کنند به هیچ عنوان این کلام را از خداوند نخواهند شنید که «برکت‌یافتگان از پدر من هستید!» خدا حق است پس چنین چیزی نشدنی است، خدای حق روشنایی را از تاریکی جدا ساخته است. به راستی که خدا خادم و نبی خود ویلیام برانهم را با پیغامی برخاسته از کتاب مقدس فرستاد. به راستی که این چنین با ترتیب الهی، به کلام آغازین خدا و به سخنی به خود خدا بازگردانده شده‌ایم. به برکت اعلام پیغام پاک برخاسته از کلام خدا به ما، عروس کلام ظهور کرد. تنها تمام کسانی که هم به گفته‌های کتب مقدسه و هم به روش مطرح در آنها ایمان دارند در شمار باکره‌های دانا هستند. چنین کسانی در کلام قرار گرفته‌اند و در حریم کلام پایداری می‌کنند. خوشابحال واعظی که بتواند به جرأت بگوید: «زیرا این را به شما از کلام خداوند می‌گوییم...» (اول تسالونیکیان باب آیه ۴:۱۵، بخش اول آیه) در توصیف موعظه‌ای برخاسته از کلام آمده است: «ما از خدا هستیم و هرکه خدا را می‌شناسد ما را می‌شنود و آنکه از خدا نیست ما را نمی‌شنود. روح حق و روح ضلالت را از این تمییز می‌دهیم.» (اول یوحنا ۴:۶) آمین. آمین.

در روح و راستی

گفته‌ی خداوند چنین است: «ولی ساعتی می‌آید بلکه اکنون است که در آن پرستندگان راستین پدر را در روح و راستی پرستش خواهند کرد زیرا که پدر خواهان چنین پرستندگانی

است. خدا روح است پس پرستندگانش باید او را در روح و راستی بپرستند.» (یوحنا ۴: ۲۳-۲۴)

پیداست که شرط تقدیس، بودن و پایداری در کلام است و بس. این همان شرط برای پرستش خداست. خداوند خود در همین راستا برای خاصان خود مسئلت کرد: «ایشان را به راستی خود تقدیس نما. کلام تو راستی است.» (یوحنا ۱۷: ۱۷)

برادر برانهام در تاریخ ۱۸ ژانویه ۱۹۶۵ در مقدمه‌ی موعظه‌ای تحت عنوان «بذر نفاق» مثال دو بذر را قرائت کرد. (متی ۱۲: ۲۴-۳۰) خداوند در آیات ۳۶ تا ۴۳ معنی مثال را برای شاگردان خود بازگو می‌کند. بذر نیکو و راستین همان بذر گندم است. بذر گندم تمثیلی از فرزندان ملکوت است. به عبارتی همان کاشته‌ی خداوند که در انبار خود ذخیره خواهد کرد. (متی ۳: ۱۲؛ متی ۱۳: ۳۰) بذر نفاق یا به عبارتی بذر کرکاس کاشته‌ی دشمن است. برادر برانهام در رؤیا کارنده‌ی سفیدپوشی که مشغول کاشتن بذر نیکو بود را دید ولی بلافاصله بعد از او کارنده‌ی سیاه‌پوشی از راه رسید که مشغول کاشتن کرکاس شد. هر دو بذر رشد کردند و از همان باران برخوردار شدند. چنان‌که فدیهدهنده همان کلام تجلی‌یافته در تن است (یوحنا ۱: ۱۴) به همین ترتیب فدیهدگان همان بذر یا ذریت کلام هستند که به عبادت او مشغولند. (مزمور ۲۲: ۳۱؛ اشعیا ۵۳: ۱۰) برادر برانهام دقیقاً چنین می‌گوید: «هر آنچه علیه کلام خدا باشد، از جنس بذر نفاق است.»

دروغ از حق سرچشمه نمی‌گیرد. (اول یوحنا ۲: ۲۱) هرکس خدا و انبیا صاحب رسالت الهی را به آموزه‌های دروغین مرتبط می‌کند زیر سلطه‌ی روح دجال است. (مایل نیستیم در این فرصت درباره‌ی این آموزه‌های دروغین کنکاش کنیم.) ویلیام برانهام مردی صاحب رسالت الهی بود. ولی با شخصیت او و نقل قول‌های او چه می‌کنند؟ چنین تکریم آدمی همان چون کفرورزی بر خدا مکروه است. پرستندگان راستین صرفاً خدا را در روح و راستی می‌پرستند.

هر خادم صاحب رسالت الهی به بیان کلام بسنده خواهد کرد و از کاربرد نقل قول خارج از بافت و متن خود پرهیز خواهد کرد. پولس رسول در رساله به تیموتائوس ۴: ۲ به تیموتائوس که از همکاریانش بود حکم می‌کند به بیان و اعلام کلام بسنده کند. او پس از بیان این مطلب

چنین می‌نویسد: «زیرا آیامی می‌آید که تعلیم صحیح را متحمل نخواهند شد، بلکه برحسب شهوات خود خارش گوش‌ها داشته، معلمان را بر خود فراهم خواهند آورد، و گوش‌های خود را از راستی برگردانیده، به سوی افسانه‌ها خواهند گرایید.» (دوم تیموتائوس ۴:۳-۴) این سخن در راستای گفته‌ی خداوند در همین باره است که: «پس عبادت مرا عبث می‌کنند زیرا که احکام مردم را به منزله‌ی فرایض تعلیم می‌دهند.» (متی ۹:۱۵)

هر خادم راستین در اعلام کلام خدا و توزیع خوراک روحانی مرتبط با خواست خدا خواهد کوشید. (یوحنا ۴:۳۴) ما به پیروی از روش رسولان و برادر برانهام، عیسی مسیح مصلوب و انجیل تام را به عنوان قوّت خدا اعلام می‌کنیم. (اول قرنیتیان ۱:۱۸) اکنون پیغام این دوره در بیانی روشن به سراسر عالم می‌رود. به این ترتیب تفاوت میان کسی که خدا را در روح و راستی می‌پرستد و کسی که متأثر از افکار و پرستش مدّ نظر خود، ضمن غفلت از حق به بیراهه می‌رود، آشکار می‌شود.

ایمان و اطاعت

«که به او فیض و رسالت را یافتیم برای اطاعت ایمان در جمیع امت‌ها به خاطر اسم او.»

(رومیان ۱:۵)

در هر دوره قوم باید انتخاب می‌کرد که به کلام عطا شده‌ی خداوند خدا به خادمان و موعظت آنان ایمان آورند یا اینکه از روی بی‌ایمانی منکر آنها شوند. این قول خداوند همچنان اعتبار دارد: «آمین آمین به شما می‌گوییم هر که قبول کند کسی را که می‌فرستم، مرا قبول کرده و آنکه مرا قبول کند، فرستنده‌ی مرا قبول کرده باشد.» (یوحنا ۱۳:۲۰) در جای دیگر آمده است: «به خاطر آرید کلامی را که به شما گفتم، غلام بزرگتر از آقای خود نیست. اگر مرا زحمت دادند، شما را نیز زحمت خواهند داد؛ اگر کلام مرا نگاه داشتند، کلام شما را هم نگاه خواهند داشت.» (یوحنا ۲۰:۱۵) هر دعوت الهی مستلزم پذیرش مسئولیتی بزرگ در پیشگاه خدا برای کلیسا است.

چه بسا خدا از آفرینش آدمی پشیمان شود: «خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است، و هر تصوّر از خیال‌های دل وی دائماً محض شرارت است. و خداوند پشیمان شد که انسان را بر زمین ساخته بود، و در دل خود محزون گشت.» (پیدایش ۶:۵-۶) ولی چنین بازگشتی درباره‌ی دعوت الهی نیست، درباره‌ی دعوت الهی در رومیان ۱:۱۱:۲۹ چنین می‌خوانیم: «زیرا که در نعمت‌ها و دعوت خدا بازگشتن نیست.»

در باب‌های سوم و چهارم سفر خروج دعوت موسی برای ما تشریح شده است. فرشته‌ی خداوند در یک بوته‌ی آتشین بر موسی ظاهر شد. موسی در پی این رخداد توانست بگوید: «خدای پدران شما مرا نزد شما فرستاده است...» (خروج ۳:۱۳) «و موسی در جواب گفت: همانا مرا تصدیق نخواهند کرد، و سخن مرا نخواهند شنید، بلکه خواهند گفت بیهوه بر تو ظاهر نشده است.» (خروج ۴:۱) همیشه بحث تصدیق یا به عبارتی ایمان شنوندگان است [در متن عبری بحث ایمان است - گروه تألیف] «و واقع خواهد شد که اگر تو را تصدیق نکنند، و آواز آیت نخستین را نشنوند، همانا آواز آیت دوم را باور خواهند کرد.» (خروج ۴:۸)

در بسیاری از آیین‌ها و کیش‌ها، آدمی به چیزی ایمان دارد. شیطان هم با وجود برخوردار بودن از باورمندی یا به قولی ایمان می‌لرزد. (یعقوب ۲:۱۹) ولی در ملکوت خدا، همواره ایمان و تصدیق گفته و وعده‌ی راستین خدا مطرح است - ما مصداق همین اصل را در خدمت برادر برانهام می‌بینیم - به او چنین گفته شده بود: «اگر تصدیق و باور مردم را به خود جلب کنی و با صداقت دعا کنی، هیچ چیز در برابر دعایت مقاومت نخواهد کرد حتی سرطان.» سرود "همین بس است که تصدیق کنی، همین بس است که تصدیق کنی، برای باورمند هر چیزی شدنی است." پیش از جلسه‌ی شفا خوانده می‌شد. به همین ترتیب در متی ۱۳:۵۸ می‌خوانیم که خداوند ما به مناسبت دیدار خود از ناصره به خاطر بی‌ایمانی مردم بسیار معجزه نکرد.

بی‌ایمانی همان گناه آغازین است که در باغ عدن هم می‌بینیم. برادر برانهام همواره بر این نکته تأکید کرد. مایلم در همین رابطه سه گفتار برادر برانهام را برای شما عزیزان نقل کنم. این گفتارها برگرفته از موعظه‌هایی است که در سال‌های ۱۹۵۳، ۱۹۵۶ و ۱۹۶۰ ایراد شد.

«گناه بی‌ایمانی را بر ما ببخش، گناه بی‌ایمانی همان گناه اولیه است. خدایا ما را یاری فرما

تا امین باشیم و ایمان داشته باشیم.» (۹ مه ۱۹۵۳، جونزبرو)

«با اجازه‌ی شما این مسئله را با کلامی برایتان بازگو می‌کنم. شیطان در نخستین ملاقات خود با مسیح نسبت به او مشکوک بود. شک همواره از شیطان است. شیطان همواره منشاء شک است. همین امر مسبب گناه نخستین شد. سخن از گناه دیگری جدا از شک نیست. بی‌ایمانی همان گناه اولیه است، همان ذات گناه است. گناه در اصل زنا و کشیدن سیگار یا مست شدن نیست، این کارها نمودهای بی‌ایمانی هستند.» (۲۲ ژوئیه ۱۹۵۶، شروپورت)

«دوستان بی‌بند و باری همان گناه نخستین نیست، عرق خوری و ارتکاب زنا هم نیست. شما از روی بی‌ایمانی چنین کارهایی را انجام می‌دهید. آنها نشانه‌های بی‌ایمانی هستند. این کارها را از روی بی‌ایمانی انجام می‌دهید. اگر به راستی ایماندار باشید چنین کارهایی از شما سر نخواهد زد. تنها یک گناه اولیه وجود دارد که همان بی‌ایمانی است. در کلام آمده: «اما هر که ایمان نیاورد بر او حکم خواهد شد. (مرقس ۱۶:۱۶)» (۱۰ ژانویه ۱۹۶۰، تیفتون)

برادر برانهام پس از پایان سلسله موعظه‌های خود درباره‌ی مهرها در مارس ۱۹۶۳ بارها به اینکه حوّا به گفته‌ی مار گوش داده اشاره کرد. او بارها این امر را با مکاشفه ۱۸:۲۲-۱۹ مقایسه کرد: «زیرا هر کس را که کلام نبوت این کتاب را بشنود، شهادت می‌دهم که اگر کسی بر آنها بیفزاید، خدا بلائی مکتوب در این کتاب را بر وی خواهد افزود. و هر گاه کسی از کلام این نبوت چیزی کم کند، خدا نصیب او را از درخت حیات و از شهر مقدس و از چیزهایی که در این کتاب نوشته است، منقطع خواهد کرد.»

شیطان به صورت مار به حوّا نزدیک شد. او در دل حوّا بذر شک نسبت به گفته‌ی خداوند خدا به آدم را کاشت، «آیا خدا حقیقتاً گفته است...» چه بسا با پرسش‌هایی از این دست «آیا خودت شنیده‌ای؟ آیا خودت حضور داشته‌ای؟» شیطان در حوّا نفوذ کرد. پولس در این باره نوشت: «آدم فریب نخورد، بلکه زن فریب خورده، در تقصیر گرفتار شد.» (اول تیموتائوس ۲:۱۴)

خداوند در باب ایمان چنین گفت: «از این جهت به شما گفتم که در گناهان خود خواهید مُرد، زیرا اگر باور نکنید که من هستم، در گناهان خود خواهید مُرد.» (یوحنا ۸:۲۴) خداوند پس از رستاخیز خود، از بی‌ایمانی شاگردان خود چنین خرده گرفت: «و بعد از آن بدان یازده

هنگامی که به غذا نشستند بودند ظاهر شد و ایشان را به سبب بی‌ایمانی و سخت دلی ایشان توبیخ نمود زیرا به آنانی که او را برخاسته دیده بودند، تصدیق نمودند.» (مرقس ۱۶:۱۴)

بی‌ایمانی همان گناه اولیه است. هرکس نسبت به خدا بی‌ایمان است در واقع دروغ را به او نسبت می‌دهد (رومیان ۴:۳). در عبرانیان ۱۲:۳ کلام با لحن تنیدی به ما هشدار می‌دهد: «ای برادران باحذر باشید مبادا در یکی از شما دل شریر و بی‌ایمان باشد که از خدای حیّ مرتد شوید.»

خروج بنی‌اسرائیل از میان دریای سرخ و فراهم شدن منّ به شکل معجزه‌آسا در بیابان رخدادهای بسیار بزرگی به شمار می‌آیند. در همین راستا آمده است: «به ایمان از میان دریای سرخ چون زمین خشکی گذر کردند در حالی که مصریان در پی چنین کوششی غرق شدند.» (عبرانیان ۱۱:۲۹) پرسیدنی است که فرجام اغلب آن جمعیت چه شد؟ «ولی خدا از بیشتر آنها خشنود نشد زیرا در بیابان از پا در آمدند... این مسائل که به عنوان نمونه بر سر آنها آمد برای عبرت ما که در روزگار فرجام به سر می‌بریم نوشته شد.» (اول قرنیتیان ۵:۱۰-۱۱) شایسته است همگان با خواندن اول قرنیتیان ۱۰:۱-۱۵ خود را بسنجند. در عبرانیان ۳:۱۹ همین مسئله با چنین عبارتی بیان شده است: «پس بر ما پیدا است که آنها به دلیل بی‌ایمانی خود از ورود به آنجا ناکام ماندند.»

ایمان شرط اول است ولی به برکت اطاعت مایه‌ی خشنودی خدا می‌شویم. ایمان شرط پیروزی است و بی‌ایمانی سبب‌ساز ناکامی. «زیرا به همین قسمی که از نافرمانی یک شخص بسیاری گناهکار شدند، همچنین نیز به اطاعت یک شخص بسیاری عادل خواهند گردید.» (رومیان ۵:۱۹) عواقب نافرمانی یا ناطاعتی در رومیان باب ۱۱ برای خواننده تشریح شده است. پیوند با خدا از برکات ایمان و اطاعت است در حالی که جدایی و گسست از خدا از پیامدهای بی‌ایمانی و نافرمانی است. به برکت ایمان به عیسی مسیح در اطاعت قرار می‌گیریم ولی بی‌ایمانی ما را به ناطاعتی می‌کشاند. در همین زمینه در کتاب مقدس چنین آمده است: «زیرا که ناطاعتی مانند گناه جادوگری است و گردنکشی مانند بت‌پرستی و ترافیم است...» (اول سموئیل ۱۵:۲۳)

اینک کسی که مانند ابراهیم به خدا ایمان دارد خود را نشان می‌دهد: «... چنانکه مکتوب است که تو را پدر امت‌های بسیار ساخته‌ام در حضور آن خدایی که به او ایمان آورد که مردگان را زنده می‌کند و ناموجودات را به وجود می‌خواند.» (رومیان ۴:۱۷؛ پیدایش ۱۷:۵) زمانی که آدمی به واسطه‌ی کلامی الهی مورد خطاب خدا قرار می‌گیرد، امکان حصول ایمان برای او فراهم می‌شود. هر انسانی که همچنان سراپا شک است با این رویکرد، تأثیرپذیری خود از شیطان را نشان می‌دهد.

ابراهیم به خدا ایمان آورد (رومیان ۴:۱۷) «گفت: البته موافق زمان حیات، نزد تو خواهم برگشت، و زوجات ساره را پسری خواهد شد. و ساره به درخیمه‌ای که در عقب او بود، شنید.» (پیدایش ۱۸:۱۰) و به این ترتیب وعده‌ی ظهور پسر در او محقق شد. **ابراهیم فرمانبرداری کرد:** «گفت اکنون پسر خود را که یگانه‌ی توست و او را دوست می‌داری یعنی اسحاق را بردار و به زمین موری برو و او را در آنجا، بر یکی از کوه‌هایی که به تو نشان می‌دهم، برای قربانی سوختنی بگذران.» (پیدایش ۲۲:۲) «چونکه یقین دانست که خدا قادر بر برانگیزانیدن از اموات است و همچنین او را در مثلی از اموات نیز باز یافت.» (عبرانیان ۱۱:۱۹)

«می‌بینی که ایمان با اعمال او عمل کرد و ایمان از اعمال، کامل گردید.» (یعقوب ۲:۲۱-۲۴)

حوا پس از پذیرش بذر شک در دل خود اغوا شد و به همین ترتیب آدم زن خود یعنی حوا را شناخت. فرایند این رخداد پیدایش دو ذریت متفاوت است که همان قائن و هابیل بودند. هم قائن و هم هابیل هر دو پایبند به امور دینی بودند. هر دو به همان خدای یگانه ایمان داشتند، هر دو قربانگاهی برپا داشتند و هدایای خود را تقدیم کردند ولی گفتنی است که قائن و هابیل از تولد تفاوت اساسی با هم داشتند. خدا هابیل و قربانی او را که بره‌ای بود منظور داشت ولی قائن و قربانی او را که از فرآورده‌های کشتزار بود مردود دانست.

ایمانداران به پیغام، همگی از کیفیت آن رخداد در باغ عدن آگاه می‌باشند ولی اینجا مسئله مربوط به روزگار ما می‌شود. شیطان به طریقی درباره‌ی کلام اعلام شده به برادر برانهم که همان پیغام پیشگام بازگشت مسیح است، شک ایجاد کرده است. شیطان درباره‌ی این واقعیت که پس از رحلت برادر برانهم این پیغام در سراسر دنیا پخش می‌شود، شک ایجاد کرده است.

درباره‌ی ما که در روزگار کنونی به سر می‌بریم چنین نوشته شده است: «زیرا همین است آن پیغامی که از اول شنیدید که یکدیگر را محبت نماییم، نه مثل قائن که از آن شریر بود و برادر خود را کشت. و از چه سبب او را کشت؟ از این سبب که اعمال خودش قبیح بود و اعمال برادرش نیکو.» (اول یوحنا ۳: ۱۱-۱۲) محبت الهی همان کمر بند یا به قولی پیوند کمال است. (کولسیان ۳: ۱۴؛ اول قرنتیان ۱۳)

هر کس خواهان ربودن شدن است باید همانند خنوخ خشنودی خدا را داشته باشد، از قرار معلوم خنوخ با خدا راه رفت. (پیدایش ۵: ۲۴؛ عبرانیان ۱۱: ۵) در آغاز مسابقه جام را نمی‌گیرند بلکه در پایان. (دوم تیموتائوس ۴: ۸)

جشن ۵۰۰ ساله‌ی اصلاحات

از ۳۱ اکتبر سال ۲۰۱۶ تا ۳۱ اکتبر ۲۰۱۷، کلیسای پروتستان در حال گرامیداشت آغاز اصلاحات لوتری است. نه تنها در آلمان بلکه در سراسر جهان چنین گرامیداشتی برقرار است. شگفتا که کلیسای کاتولیک هم به این مناسبت پیوسته است. بر اساس توافقی میان کاردینال ریپهارت مارکس رئیس مجمع نظارتی کلیسای کاتولیک آلمان و هاینریش بدفرت-اشتروم سرپرست شورای کلیساهای انجیلی آلمان، این دو کلیسا با برگزاری مراسم‌های مشترک، به اتفاق این مناسبت را برگزار خواهند کرد. هدف از این اقدام‌های مشترک نشان دادن «وحدت در ایمان» قلمداد شده است.

در ابعادی جهانی، جشنواره‌های مربوط به پانصد سالگی آغاز اصلاحات اول در شهرهای لونت و مالو سوئد برگزار شدند. هفتاد سال پیش در کشور سوئد اتحادیه‌ی جهانی کلیسای لوتری پایه‌گذاری شد. اسقف منیب یونان سرپرست اتحادیه‌ی جهانی لوتری به اتفاق رئیس کلیسای کاتولیک طی مراسمی در استادیوم مالمو با شرکت ۱۰۰۰۰ نفر این مناسبت را گرامی داشتند. به مناسبت آیین اکومینیک در کاتدرال لوتری لوند، پاپ فرانسیس یوحنا ۴: ۱۵ را به عنوان مقدمه سخنرانی کوتاه خود برگزید. در این آیه چنین آمده است: «در من بمانید و من در شما.»

در تاریخ ۳۱ اکتبر ۲۰۱۶، پاپ فرانسیس و اسقف یونان بیانیه فراخوانی به وحدت را امضا کردند. در مقدمه‌ی بیانیه مشرک دوباره چنین آمده بود: «در من بمانید و من در شما. همچنان که شاخه از خود نمی‌تواند میوه آورد اگر در تاک نماند همچنین شما نیز اگر در من نمانید.» (یوحنا ۴:۱۵) به عبارتی سخن از آشتی است و شفای زخم‌هایی که هر دو گروه به هم وارد کردند. آنها با این اقدام اعتراف می‌کنند که آنچه این دو گروه را به هم پیوند می‌دهد از آنچه آنها را از هم جدا می‌کند، نیرومندتر است. هر دو طرف نسبت به برداشتن موانع بر سر راه اتحاد اکومینیک متعهد شدند. هدف از این اتحاد امکان برگزاری شام خداوند به شکل مشترک است. طبق بیانیه‌ی مذکور هدف از این کوشش مشترک، ایجاد دری باز برای تجلی «نیروی خدای یکتا با شخصیت‌های سه‌گانه» توصیف شده است.

چنین اتحادی عملاً در برگزاری آیین سپاسگزاری کاتولیک و شام خداوند انجیلی نمود می‌یابد. ولی واقعیت این است که میان این دو آیین تفاوت شگرفی وجود دارد. در کاشیزم هیدلرگ (که در میان کلیساهای اصلاحی رایج است) چنین آمده است.

پریش ۸۰: تفاوت میان شام خداوند (اول قرن‌تین ۱۱: ۲۵) و آیین قربانی پاپ چیست؟

شام خداوند گواه بر آموزش کامل تمام گناهان ما است زیرا عیسی مسیح یک بار در صلیب خود را به عنوان قربانی تقدیم کرد (عبرانیان ۷: ۲۶؛ ۹: ۱۲، ۲۵-۲۸؛ ۱۰: ۱۰، ۱۲-۱۴؛ یوحنا ۱۹: ۳۰؛ متی ۲۶: ۲۸؛ لوقا ۲۲: ۱۹) و به این ترتیب از راه روح‌القدس به بدن مسیح پیوسته‌ایم. (اول قرن‌تین ۶: ۱۷، ۱۰: ۱۶) او اینک به بدن واقعی خود در آسمان در دست راست پدر است. (عبرانیان ۱: ۳؛ ۸: ۱) و در آنجا پذیرای پرستش‌ها است. (یوحنا ۴: ۲۱-۲۴؛ ۱۷: ۲۰؛ لوقا ۲۴: ۵۲؛ اعمال ۷: ۵۵-۵۶؛ کولسیان ۳: ۱؛ فیلیپیان ۳: ۲۰؛ اول تسالونیکیان ۱: ۱۰)

برعکس این قضیه، بر پایه‌ی آموزه‌ی مرتبط با آیین قربانی زمانی زندگان و مردگان به برکت مصائب مسیح آمرزیده می‌شوند که مسیح هر روز به دست کشیشان برای آنها قربانی شود. بر پایه‌ی همین آموزه مسیح در تن در قالب نان و شراب حضور پیدا می‌کند و به همین دلیل باید او را در این قالب‌ها بپرستند. به عبارتی آیین قربانی در حکم قربانی و مصائب یکباره‌ی عیسی مسیح است. (عبرانیان ۹: ۶-۱۰؛ ۱۰: ۱۹-۳۱) و به عبارتی سخن از بت‌پرستی نفرین شده است.

پرسش اینجاست که آیا سخنگویان انجیلی به راستی به آموزه‌ی لوتر در این باره اعتقادی دارند؟ آیا دستکم یکی از آنها مقدمه‌ی کتاب دانیال به قلم لوتر نشر سال ۱۵۴۵ را خوانده است؟ آیا کسی از این افراد رؤیای نبوتی و روشن لوتر در زمان گذشته را دریافته است؟

مارتین لوتر در دیباچه‌ی کتاب خود درباره‌ی امپراطوری‌های چهارگانه متوالی مطرح در صحیفه‌ی دانیال روشنگری کرده است: امپراطوری بابل، امپراطوری ماد و فارس، امپراطوری یونان و امپراطوری روم. امپراطوری روم از سال ۶۳ پیش از میلاد چیره شد.

تمامی نشریه‌های مذهبی و حتی روزنامه‌ها و مجله‌ها به گونه‌ای به مسئله‌ی اصلاحات کلیسا می‌پردازند. مگر هدف غائی تمام آنها زمینه‌سازی برای حصول اتحاد همه‌ی ادیان جهانی در رم یعنی شهر ساخته شده بر تپه‌های هفتگانه یا به سخنی واتیکان نیست؟ مگر پیمان رم در ۲۵ مارس ۱۹۵۷ در همان شهر امضا نشده است؟ آیا زمان نظام نوین جهانی مورد انتظار مردم نزدیک شده است؟ با توجه به اینکه سخن از تحقق نبوت کتاب مقدس است، شایسته است مطلب کامل عنوان شود. در زمان واپسین به سر می‌بریم و همه چیز طبق اخبارهای کتاب مقدسی محقق می‌شود.

پیداست که فدیهدهنده و رهاننده‌ی ما در دعای کهناتی خود برای اتحاد فدیهدگان دعا کرده است و نه برای یکپارچگی این دو کلیسا یا تقرب تمامی ادیان و مذاهب. او چنین دعا کرد: «من کلام تو را به ایشان دادم و جهان ایشان را دشمن داشت زیرا که از جهان نیستند، همچنان که من نیز از جهان نیستم... من در ایشان و تو در من تا در یکی کامل گردند...» (یوحنا باب ۱۷ آیات ۱۴ و ۲۳) او تاک است و همگی ایمانداران راستین تولدتازه‌یافته شاخه‌ها. زندگی الهی در میوه‌های تاک نمود می‌یابد. اتحاد فدیهدگان در مسیح که در حکم سر کلیسا است. کلیسایی که سر آن مسیح است دو هزار سال پیش در روز پنطیکاست در اورشلیم بنیادگذاری شد. شرح آغاز این کلیسا در اعمال باب ۲ آمده است. کلیسای حکومتی امپراطوری روم در شورای نیقیه در سال ۳۲۵ تأسیس شد. اصلاحات لوتر، تسوینگی و کالوین و پیشتانزان آنها یعنی ویکلیف و هوس راه را برای انقلابی روحانی فراهم کرد. در بیدارهایی پیاپی یعنی متدیستی، باپتیستی و پنطیکاستی معاصر روح خدا همچنان کار می‌کرد. پس ایمانداران کتاب

مقدس به روم یا نیقیه بر نمی‌گردند بلکه به اورشلیم که همان بازگشت به خدا و کلام اوست. آنها به برکت واپسین ظهور پیغام ایمانداران به مسیحیت اصلی بر می‌گردند. اینک زمان دعوت به خروج و برون شدن، بازسازی و بازگشت، تدارک و آماده‌سازی فرا رسیده است. می‌توانیم در کاری که خدا اکنون انجام می‌دهد سهم داشته باشیم و چنین منتظر بازگشت مسیح باشیم.

خدا در هر کاری امین است

رسالت برادر برانهام از اهمیت ویژه‌ای در تاریخ رستگاری برای کلیسای عیسی مسیح برخوردار است. او همانند نبی موعود (ملاکی ۳:۲۳-۲۴) فرستاده شده است. خداوند ما در تأیید این امر در متی ۱۱:۱۷ و مرقس ۱۲:۳ چنین فرمود: «او در جواب گفت، البته ایلیا می‌آید و تمام چیزها را اصلاح خواهد نمود.» رسالت ایلیا فرضیه نبود بلکه واقعیت بود. او قوم خدا را در کوه کرمل جمع کرد و با دوازده سنگ قربانگاه ویران شده را بازسازی کرد و بر آن قربانی گذراند. او دعا کرد و خدا به شکل دیدنی اجاتش کرد و به این ترتیب دل بنی‌اسرائیل به خدا بازگشت. (اول پادشاهان ۱۸:۲۱-۴۰)

من در جایگاه گواه هم شنیده‌ام و هم دیده‌ام. شهادت می‌دهم که رسالت الهی برادر برانهام ممتاز بود. خداوند امین خادم خود را به نزد خویش فرا خوانده است ولی گفتنی است که با وجود رحلت پیغام‌آور، پیغام همچنان اعلام می‌شود. رسالت من در این زمینه فرایند تصمیمی شخصی نیست. در مورد این دعوت و رسالت رأی من پرسیده نشد.

با نگاهی بر گذشته، بابت سالی که سرشار از برکات در خدمت خداوند بود، سپاسگزارم. خدا امین است. او برای اعلام و ارائه‌ی کلام آسمانی در سراسر جهان فیض و نیرو عطا کرده است. بله، او دعوت خود را تأیید کرد و تصدیق‌کنندگان امر از این بابت شادمان هستند. خداوند از قدیم گفت گرسنگی و تشنگی برای شنیدن کلام آسمانی می‌فرستد. (عاموس ۸:۱۱) در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۷۶ خداوند خود چنین به این حقیر فرمود: «ای خادم من طبق متی ۲۵:۴۵-۴۷»

تو را برای پخش خوراک برگزیده‌ام.» این کلام الهی در برابر دیدگان ما جامه‌ی عمل پوشید و هیچ‌گاه پیش از زمان ما سفره‌ی خداوند این چنین آراسته و پُر نبود.

بدین سخنان که از آن ابر مافوق طبیعی به برادر برانهام اعلام شد «چنان‌که یوحنا تعمیددهنده در جایگاه پیشتاز ظهور نخستین مسیح فرستاده شد به همین ترتیب با پیغامی فرستاده می‌شوی که پیشتاز ظهور دوباره‌ی مسیح خواهد شد» محقق می‌شود. خداوند امین با فرستادن پیغام همه چیز را برگرداند و بازسازی کرد. باز آموزه‌ی دوازده رسول محور موعظه است. (اعمال ۴۲:۲) چنان‌که پیغام در فضای کلام خدا قرار گرفته به همین شکل ایمانداران راستین اجازه خواهند داد که آنها را به سوی کلام هدایت کنند باشد با پیروی از الگوی کلیسای آغازین همه چیز به کلیسای خداوند اعاده شود. به زودی داماد آسمانی برای برداشتن عروس خود خواهد آمد. به فیض الهی با وجود بدگویی‌های مردم و آزمایش‌های سختی که در زندگی شخصی خود داشتم ولی نسبت به دعوت خدایی وفادار ماندم. آنچه که خداوند در اشعیا ۱۷:۵۴ در حق فرستادگان خود فرموده است به قوت خود باقی است: «هر آلتی که به ضد تو ساخته شود، پیش نخواهد برد و هر زبانی را که برای محاکمه به ضد تو برخیزد، تکذیب خواهی نمود. این است نصیب بندگان خداوند و عدالت ایشان از جانب من. خداوند می‌گوید.»

از ۸۰۰۰ موعظه‌ای که ایراد کردم یا نوشتم نیازی نیست حتی کلامی را کم کنم. از تکاتک عزیزان که در ارائه‌ی خوراک روحانی مرا همراهی می‌کنند، سپاسگزارم. دریافتن این واقعیت که در واپسین مرحله‌ی تاریخ پیش از بازگشت مسیح به سر می‌بریم خود فیضی است! پیداست سرمایه‌گذاری در خدمت بی‌وقفه و شبانه‌روز تلف نخواهد شد. (فیلیپیان ۱۶:۲)

دعایم این است که هیچ‌کس فرصتی که برای آشتی با خداوند و همسایه فراهم شده را از دست ندهد. تا زمان فیض باقی است هرکس می‌تواند به حضور خدا آمده و زندگی خود را به منجی آسمانی تقدیم کند. بر پایه‌ی مأموریت آسمانی، آمرزش گناهان همچنان موعظه می‌شود. عزیزانی توبه می‌کنند و در حضور شهود تعمید می‌گیرند.

باشد که واپسین مرحله به سال رحمت و یوبیل در میان ایمانداران تبدیل شود. (لاویان ۲۵:



این عکس مربوط به دوشنبه ۱۵ اوت سال ۲۰۱۶ است. در نقشه کشورهایی که در آن موعظه کرده‌ام، علامت گذاری شده‌اند. دقیقاً ۶۱ سال پیش در دوشنبه ۱۵ اوت سال ۱۹۶۵ برای اولین بار به برادر برانهام دست دادم. من پیش‌تر در جلسه‌ی ایشان شرکت کرده بودم.

در خلال این سالیان شخصاً پیغام را به ۱۶۰ کشور رساندم. از طریق برنامه‌های بی‌شمار تلویزیونی و پخش اینترنتی جلسه‌های مرکز میسیونری کرفلد در پایان نخستین هفته‌ی هر ماه، هزاران نفر مورد خطاب قرار می‌گیرند. گذشته از این، هر ماه بیش از ۸۲۰۰ دی وی دی و ۱۱۵۰ سی دی برای عزیزان ارسال می‌شود. شمار کتابچه‌ها، نامه‌های گردشی و موعظه‌هایی که سالیانه ارسال می‌شود به صدها هزار می‌رسد.

انجیل تام به تمامی قوم‌ها به عنوان شهادت موعظه شد و بدین ترتیب متی ۱۴:۲۴ محقق می‌شود. اکنون چه بسا هر آن پایان از راه برسد هر چند هیچ‌کس از روز و ساعت آن آگاه نیست. می‌توانم با حس سپاسگزاری چنین بگویم: «اینها ای خداوند امین بنده خود را رخصت به سلامتی می‌دهی زیرا که تحقق وعده‌ی زمان را به چشم دیده‌ام.» خداوند کار خود را نسبت

به کلیسا-عروس به فرجام خواهد رسانید. او در جایگاه داماد پذیرای کلیسا-عروس خواهد بود. او عروسی بی‌لکه و بی‌چروک نزد خود حاضر خواهد ساخت. (افسیسیان ۵:۲۷)

تنها محبت کامل در پیوند با ایمان به هر کلام خدا وارد جلال خواهد شد. از دید تمام برگزیدگان باورمند هر وعده‌ی خدا که آری و آمین است، محقق خواهد شد.

«ولی خدا را سپاس که در مسیح همواره ما را در مسیر پیروزی هدایت می‌کند و ما را وسیله می‌سازد تا بوی خوش شناخت مسیح در هر جا بلند شود.» (دوم قرنتیان ۲:۱۴)

برکت خدای قادر مطلق بر تمامی باورمندان به کلام خدا باد!

از تکاتک عزیزانی که در رابطه با این رسالت جهان شمول ما را در دعا‌های خود یاد می‌کنند، سپاسگزارم. باشد که خدای آمین به همگی عزیزانی که با هدایای خود از این رسالت پشتیبانی می‌کنند پاداش نیکو دهد. مایلم از تکاتک عزیزانی که در مرکز میسیونری سختکوشی می‌کنند تشکر کنم. آری، خدا تکاتک عزیزانی را که در کشورهای گوناگون کلام پر بها را اعلام می‌کنند فرخنده سازد. در انتها می‌خواهم از برادرانی که در کلیسای کرفلد مشغول خدمت هستند تشکر کنم، این کار بسیار ارزشمند است. خداوند همگی مشتاقان ظهور مسیح را فرخنده سازد. آمین. از صمیم قلب سالی سرشار از برکات آشکار از جانب خدا در هر شهر و کشور آرزومندم. همگی ما به اتفاق سر خود را بلند می‌کنیم که فدی‌ی بدن‌های ما نزدیک است. ما ران آنا.

مأمور از جانب خدا

Bro. Frank



جلسه ۴ دسامبر ۲۰۱۶ در مرکز میسیون کرفلد

خداوند عیسی محبوب

به یاد آر آن عهدی را که با ما بستى

آن خونی را که از بهر ما ریختی

آن وعده‌ای را که به ما دادی

و به ما حیات ابدی را عطا کن